

## بررسی موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا (EU)

عنایت الله یزدانی \*

دانشیار روابط بین الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

جلال حاجی زاده

دانش آموخته ارشد گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۱/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۳۱)

### چکیده:

مقاله حاضر در پی بررسی و تبیین موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا است. در این رهگذر، موانعی بر سر راه عضویت ترکیه در این اتحادیه مطرح شده و پیوستن این کشور به اتحادیه اروپایی را به تعویق انداخته است. در این بررسی از یک سو فرایند تلاش ترکیه در تحقق این خواست و از دیگر سو، علل و عوامل عدم تحقق آن با تکیه بر موانع موجود، مورد مطالعه و تبیین قرار گرفته است. مطابق یافته های پژوهش ترکیه با ده مانع ساختاری و نیز سیاسی از قبیل: روند حقوق بشر و گسترش دموکراسی واقعی، حقوق اقلیت های قومی- مذهبی و همچنین موارد عمده ی دیگر روبروست که به نظر می رسد هنوز با ایده آل های مورد نظر اتحادیه اروپا بسیار فاصله داشته و راهی دراز فراروی آن قرار دارد.

### واژگان کلیدی:

موانع ساختاری و سیاسی، اتحادیه اروپا (EU)، منافع سیاسی، منافع ملی

### مقدمه

از زمان امضای پروتکل آنکارا در سال ۱۹۶۳ تاکنون روند مذاکرات مقامات ترکیه و اتحادیه اروپایی همواره ادامه داشته است. دولت ترکیه و اکثریت رهبران تجاری سکولار و نیز نظامیان این کشور خود را متعهد به پیوستن به اتحادیه اروپا می دانند. در دهه اول ۱۹۶۰ تفاهم نامه همکاری آنکارا برای پیوستن ترکیه به اتحادیه امور گمرکی و در نهایت عضویت دائم این کشور در جامعه اقتصادی اروپا (European Economic Community) به امضا رسید. ترکها توافق آنکارا را به مثابه تأیید هویت غربی و نماد پیوستن نهایی کشورشان به اتحادیه اروپا می نگرستند و این آرزوی دیرینه و همیشگی مصطفی کمال بوده است. اکنون به نظر می رسد پس از قریب به چهار دهه روابط پرفراز و نشیب میان این دو، ترکیه با موانع ساختاری و سیاسی جدی در این راه مواجه است. از این رو، بازخوانی و واکاوی موانع فراروی این کشور و نیز تبیین دغدغه های اصلی اعضای اتحادیه اروپایی در بررسی علل شکست ترکیه در الحاق به EU راهگشا خواهد بود. این در حالی است که ترکیه در این راه پرفراز و نشیب با موانع متعدد و چالشهای جدی و چشم انداز نه چندان امیدوار کننده روبرو است. از این منظر، نویسنده با طرح این سؤال که "چه موانعی بر سر راه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا قرار دارند؟" در پی بررسی مسئله است. در این راستا مقاله حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با اتکا به مطالعات کتابخانه ای، در صدد تبیین موانع پیش روی این کشور در الحاق به اتحادیه اروپا برآمده است.

### کلیات نظری

#### الف) تاریخچه بحث (درخواست عضویت کامل ترکیه در ۱۹۸۷)

تحولات داخلی و خارجی بر روابط ترکیه و جامعه اقتصادی اروپا تاثیر بدی به جای گذاشته بود. اشغال نظامی ۱۴ سپتامبر نه تنها به روابط این دو کمکی نکرد بلکه فرایند پیوستن ترکیه را به مراتب پیچیده تر ساخت. وقتی اوزال در ۱۹۸۳ به قدرت رسید ترکیه به لطف سیاست های او قادر بود بار دیگر به جامعه اروپا فکر کند و تصمیم به عضویت کامل در سال ۱۹۸۷ بگیرد. به رغم آغاز فرآیند دموکراتیزاسیون در ۱۹۸۲ که بخش ضروری خواسته های جامعه اروپا بود، سیاست بروکسل در قبال آنکارا همچنان بدون تغییر ماند. علاوه بر این، جامعه اروپا مصرانه دغدغه هایش را در مورد وضعیت حقوق بشر، نیاز به بازسازی کامل دموکراسی، تغییر قانون نظامی و آزادی فعالان سیاسی و روشنفکری را تکرار کرد. در واقع، اوزال وارث سیاستی مسئله ساز نظامی در قبال جامعه اروپا بود. پیش از هر چیز به نظر می رسد فضای بین المللی به نفع چنین درخواستی بود. آمریکا به طور رسمی ترکیه را مورد

تشویق قرار داد و آشکارا به کشورهای اروپایی دستور داد درها را به روی آنکارا نبندند. اما مهم تر از همه، تصمیم اوزال مؤید رویکرد عمل گرایانه و لیبرالیستی او بود. از سوی دیگر، وقتی تجارت خارجی ترکیه با کشورهای خاورمیانه در حال افول بود سهم جامعه اروپا بار دیگر در ۱۹۸۵ افزایش یافت. این روند در سال ۱۹۸۶ وقتی کاهش شدید قیمت نفت بر قدرت خرید این کشورها تاثیر منفی گذاشت، بسیار روشن شد. این امر نشان از آسیب پذیری روابط تجاری با خاورمیانه داشت، منطقه‌ای که در قبال تحولات بین‌المللی حساس بود (Edmer, 2003, 79). از سوی دیگر، تجارت خارجی ترکیه با جامعه اروپا در ۱۹۸۶ رشدی پایدار را نشان داد و برای نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ بر سهم خاورمیانه‌ای برتری یافت. بدیهی بود آنکارا در صورت حل مشکلات خود با خاورمیانه می‌توانست تجارت خارجی‌اش را با بازاری که ۳۴۰ میلیون مشتری دارد، گسترش دهد. ترکیه در صورت توسعه روابط می‌توانست علاوه بر سرمایه احتمالی وارده از سوی سرمایه‌گذاران خارجی، کمک مالی به تاخیر افتاده را نیز از جامعه اروپا دریافت کند (اردوغان، ۱۳۸۳، ۱۲). همچنین آنکارا مجبور بود به آثار دومین دور گسترش جامعه اروپا به سمت مدیترانه همراه با اسپانیا و پرتغال فکر کند. در این زمان بود که افرادی از وزیر امور خارجه گرفته تا احزاب سیاسی، مطبوعات، بازرگانان و افراد بسیاری شروع به زیر فشار قرار دادن حکومت اوزال کردند تا به این درخواست تن دهد. مطابق نظر سنجی افکار عمومی در ژوئن ۱۹۸۶، افرادی که در خیابانها ریختند، همین درخواست را از اوزال مطرح کردند: ۵۱ درصد طرفدار جامعه اقتصادی اروپا و تنها ۸/۷ درصد مخالف ورود ترکیه به آن بودند (باغچی، ۱۳۸۳: ۳).

در همین دوران، مسائل بسیار وجود داشت که باید مطرح می‌شد. در واقع، بسیاری از پاسخ به این پرسش که کشور به کدام سمت می‌رود در تعجب بودند. نخبگان ترکیه با احساس مسئولیت به مبارزات خود تحت عنوان رویکرد اسلام‌گرایانه در امور داخلی و خارجی فشار خود علیه اوزال را شدت بخشیدند. به احتمال زیاد اوزال تحت این شرایط احساس می‌کرد برای نشان دادن اینکه هیچ نگرانی در جهت‌گیری کشور وجود ندارد، لازم است چنین درخواستی ارائه شود. هم‌زمان اوزال اعلام کرد که این درخواست بخشی از غربی شدن ترکیه است و ترکیه به طور مسلم به جامعه اروپا خواهد پیوست (Balter, 2004, 115). او حتی در کتاب خود "ترکیه در اروپا"، بار دیگر بر نظریه کمالیستی ترک‌های اروپاگرا تاکید کرد. انگیزه واقعی اوزال را به طور مفصل می‌توان مورد بحث قرار داد؛ ولی تا جایی که درخواست ترکیه به جامعه اروپا مربوط می‌شود، مقام‌های ترک معتقد بودند که این امر از زمان آتاتورک در اصل موضوعی ایدئولوژیک و نشانگر نیت ترکیه برای غربی شدن است. در واقع تمامی موارد بالا بازتاب انتظارات ترکیه از جامعه اروپا بود.

**ب) زمینه مفهومی بحث**

بدون تردید مسائل و موانعی بر سر راه این پروسه وجود دارد که بر روند الحاق ترکیه به اتحادیه تاثیر گذار است. از جمله این موارد می توان به موضوع قبرس، مسئله کردها، آزادی، حقوق بشر و... اشاره کرد. فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا بر چند محور کلی متمرکز شده است:

- اجرای کامل تعهدات ایجاد شده بر اساس مذاکرات کپنهاک و انجام اصلاحات سیاسی؛
- هماهنگ سازی قوانین و مقررات داخلی ترکیه با اتحادیه اروپا؛
- گفت و گوی جامعه ترکیه با جوامع دیگر اتحادیه اروپا.

موضوع دیگر، مسئله آزادی بیان در ترکیه است که این مورد ارتباط مستقیم با ماده ۳۰۱ قانون اساسی این کشور دارد. دولت ترکیه به استناد این ماده، تاکنون بسیاری از افراد معروف ترکیه را نظیر خبرنگاران مطرح و نویسندگان (نظیر اورهان پاموک) را مجازات کرده است. موضوع حساس دیگر، شناسایی و پذیرش قتل عام ارمنه است. اتحادیه اروپا با تأکید از ترکیه در خصوص حق آزادی مذهب درخواست مساعدت کرده است. شناسایی حقوق اقلیت ها در ترکیه نیز یکی دیگر از مسائلی است که اتحادیه اروپا از ترکیه می خواهد تا سیاست هایی مطابق با استانداردهای اروپایی در این کشور اجرا شود که تمام کردهای این کشور را شامل می شود که عمدتاً در جنوب شرقی این کشور زندگی می کنند. مسئله آخر ظرفیت ترکیه برای الحاق به اتحادیه اروپا است که این موضوع تنها باید از تأیید اتحادیه بگذرد (رفعت نژاد، ۱۳۸۱: ۶).

بر اساس موارد مطرح شده ترکیه باید به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر و اعطای آزادی های اساسی که اتحادیه تعیین می کند پایبند و ملزم باشد. بر این اساس ترکیه مکلف شد بر اساس سی و پنج ماده یا سر فصل با اتحادیه اروپا به مذاکرات بپردازد. اجلاس کپنهاک شرایط عضویت در اتحادیه اروپا را بدین نحو بیان کرده است:

(۱) ثبات مؤسسات تأمین کننده دموکراسی، نظم و قانون، حقوق بشر و حفظ حقوق اقلیت ها؛

- (۲) وجود بازار آزاد سرمایه و گنجایش حضور اتحادیه اروپا در بازار سرمایه؛
- (۳) توانایی انجام مقررات عضویت شامل موارد سیاسی، اقتصادی و پولی اتحادیه؛
- (۴) تعهد ترکیه به حل اختلافات خود با دیگر کشورها بر اساس موارد مطرح شده

سازمان ملل متحد.

تعهد ترکیه برای تلاش جهت حل مسالمت آمیز مسئله قبرس بر اساس قطعنامه های سازمان ملل متحد که شامل ایجاد فضای مناسب برای عادی سازی روابط با قبرس نیز شود (مروت، ۱۳۸۷: ۳).

به استناد مطالب مطرح شده در این مقاله می توان موانع عمده پیش روی عضویت کامل و دائمی ترکیه در اتحادیه اروپایی را به شرح سر فصل های زیر دسته بندی کرد:

### ج) موانع پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی

از زمان امضای پروتکل آنکارا در سال ۱۹۶۳ که به موجب آن بررسی عضویت کامل ترکیه پذیرفته شد، چهل و سه سال می گذرد. در این رهگذر، موانعی بر سر راه عضویت ترکیه در این اتحادیه مطرح شده و پیوستن این کشور به اتحادیه اروپایی را به تعویق انداخته است. اهم موانع پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی به شرح زیر است:

#### ج-۱) دموکراسی، آزادی و حقوق بشر

بعد از کودتای نظامیان در سال ۱۹۸۰، سخت گیری هایی که دولت نظامی ترکیه نسبت به آزادی های فردی و تشکیل احزاب و دموکراسی اعمال کرد، موجب نگرانی اروپا شد. تشکیل شورای امنیت ملی و عضویت نظامیان در این شورا و نظارت آنان بر امور داخلی و خارجی ترکیه و همچنین مسئله کردها بر این نگرانی ها می افزود. در این دوران دولت ترکیه ضمن مقابله با کردها، با هر گونه اقدامی که در انتقاد به حکومت لائیک صورت می گرفت به شدت برخورد می کرد. «در ترکیه آزادی بیان محدود شده است و حقوق بشر از بین رفته است (رفعت نژاد، ۱۳۸۱: ۹). با چنین وضعیتی منتقدان اروپایی اقدام دولت ترکیه در تعطیل کردن روزنامه هایی را که با سیاست های دولت مخالف هستند، محکوم می کنند. آنان همچنین از پیگرد نویسندگان و روشنفکران در ترکیه انتقاد کرده اند (باغچی، ۱۳۸۳: ۲). ترکها موضوع نقض حقوق بشر را که از جانب اتحادیه اروپایی مطرح می شد، دخالت در امور داخلی خود تلقی می کردند. البته ترکیه در این دوران و تحت فشار اتحادیه اروپایی گام هایی مهم در بعد حقوق بشر، مسئله زندانیان و عدم اجرای احکام اعدام برداشت که در اروپا با استقبال مواجه شد. در سال ۱۹۹۴، ترکیه اصلاحات خود را در جهت رسیدن به دموکراسی آغاز کرد ولی هم اکنون با گذشت بیش از نیم قرن از آن تاریخ، فاصله ای قابل توجه میان استانداردهای پذیرفته شده دموکراسی در کشورهای دموکراتیک و سیاست های ترکیه وجود دارد (رفعت نژاد، ۱۳۸۵: ۷). این مسئله از جمله مهم ترین فاکتور انسداد پیوستن به اتحادیه اروپا شمرده می شود. با این اوصاف تغییر مفادی از قانون اساسی ترکیه یکی از راه های رفع موارد نقض حقوق بشر می باشد.

### ج-۲) حضور نظامیان در عرصه سیاسی کشور

هژمونی نظامیان ترکیه بر سیاست‌های این کشور از دیرباز محل مناقشه‌های بسیار جدی بوده است. ارتش جایگاه حکومتی و حضوری قدرتمندانه در جامعه ترکیه دارد. مردم این کشور بر این باورند که ارتش حامی نظام سیاسی است و بقای حکومت و نظام بستگی به قدرت ارتش دارد. دخالت‌های آشکار ارتش در ترکیه از سال ۱۹۶۰ آغاز شد و کودتاهای ۱۹۶۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۱ را در ترکیه رهبری و در ۱۹۹۷ نیز شبه کودتایی را علیه اربکان، نخست وزیر وقت و رهبر حزب رفاه انجام داد. بنابر آمار از سال ۱۹۲۳ (سال تأسیس جمهوری جدید) تا سال ۱۹۸۷، ارتش ترکیه به مدت ۲۵ سال و ۹ ماه و ۱۸ روز نقش حکومتی و حضوری تأثیرگذار در عرصه سیاسی داشته است (لواسانی، ۱۳۸۴: ۹). حضور قدرتمند ارتش در شورای امنیت ملی (National Security Council) که از ارکان تصمیم‌گیرنده در سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه به شمار می‌رود، نشانه بارز این امر است. ارتش با مداخله مستقیم در سیاست تحت عنوان حفاظت از سکولاریزم، پایه‌های شکننده و دموکراسی را به رشد در این کشور ویران می‌کند (رفعت‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۶). بهانه ارتش برای ایفای نقش بیشتر در جامعه، ناشی از درگیری‌های سیاسی و حزبی و بی‌اعتمادی نسبت به نقش سازنده نیروهای سیاسی و مدنی در ترکیه است. اروپا خواستار کاهش نقش ارتش در تصمیم‌گیری‌های سیاسی داخلی و خارجی ترکیه است. با این اوصاف، ترکیه نمی‌تواند همزمان کشوری دموکراتیک و هم نظامی باشد. از این رو است که طی گزارشی پژوهشی از آن با عنوان دموکراسی نظامی در ترکیه یاد می‌شود (رفعت‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴) که با استانداردهای واقعی دموکراسی بسیار فاصله دارد.

### ج-۳) مسئله کردها

موضوع کردها و سرکوب آنها بوسیله ارتش ترکیه همواره یکی از دغدغه‌های داخلی و حتی منطقه‌ای این کشور بوده است. کردهای ترکیه تا پیش از توطئه دستگیری عبدالله اوجلان رهبر حزب "پ.ک.ک" همواره با دولت و ارتش ترکیه برای ایجاد منطقه‌ی مستقل و خودمختار برای کردها درگیر بودند. این در حالی بود که به بهانه‌های مختلفی نیروی سیاسی-نظامی "پ.ک.ک" آتش بس اعلام نموده و خواهان حل مسالمت آمیز و دموکراتیک مسئله کردها شده است. در این میان ارتش ترکیه نیز با استفاده از تجهیزات نظامی سنگین و نیمه‌سنگین همواره در جنگی تمام عیار با کردهای این کشور به سر می‌برده است. با دستگیری اوجلان تا حد زیادی از شدت مبارزات کردها در ترکیه کاسته شد؛ ضمن اینکه با فشار غرب بر ترکیه، سیاست‌های این کشور در قبال کردستان ترکیه اگرچه در اصول تغییری نکرد، ولی در

ظاهر ملایم‌تر و عوام‌فریبانه‌تر شد و دولتمردان درصدد ارائه راه‌حلی مقبول برای پاسخگویی به اروپا در باره موضوع کردها برآمدند. لازم به توجه است که سیاستمداران و نظامیان ترکیه نسبت به موضوع استقلال کردها حساسیت زیادی دارند و به شدت با آن مقابله خواهند کرد، البته اتحادیه اروپایی نیز در جهت استقلال کردها و ایجاد کردستان مستقل به وضوح و در عمل گام بر نمی‌دارد (اشلقی، ۱۳۸۵: ۴). از زمانی که آرمان کردها به مانعی مهم در روابط ترکیه با جهان غرب تبدیل شده، دولت ترکیه با معضلی بزرگ مواجه بوده است. با این حال، اوزال سعی کرده بود این مسئله را با گسترش آزادی‌های فرهنگی و سیاسی از جمله به رسمیت شناختن هویت کردها در ترکیه حل کند. وقتی دمیرل در ۱۹۹۱ به قدرت رسید، این خط‌مشی سیاسی را ادامه داد و اتحادیه اروپا نیز از آن استقبال کرد. اما بعضی تندروهای ملی‌گرا و نظامیان ترک به چالش با این سیاست پرداختند؛ زیرا مدعی بودند چنین سیاستی اتحاد و یکپارچگی دولت ترک را تهدید می‌کند، به ویژه پس از مرگ ناگهانی اوزال در ۱۹۹۳، حکومت ترکیه سیاستش را در انطباق با خواسته‌های این تندروها تغییر داد (باغچی، ۱۳۸۳: ۴). در واقع، پس از مرگ اوزال ایجاد تعادلی هر چند شکننده پنج سال طول می‌کشید.

از سوی دیگر، سیاست تانسو چیلدر در قبال کردها نزاع‌هایی بزرگ را در حکومت ترکیه برانگیخت. او مطابق پروتکل ائتلاف خود به ادامه مبارزه علیه تروریسم با حفظ احترام به حقوق بشر وعده داد. دولت ائتلافی او مدعی شد وضعیت اضطراری از بین می‌رود و سیستم نگرهبانان روستا (مزدوران محلی) کنار گذاشته می‌شود و همچنین موانع عمده در راه آزادی بیان و هویت‌های قومی و فرهنگی نیز از میان برداشته شود. چیلدر همچنین در اکتبر ۱۹۹۳ بحثی را بر سر موضوع کردها آغاز کرد تا مدلی توسعه‌یافته را در ترکیه به اجرا گذارد؛ اما او نه به وعده‌هایش در چارچوب پروتکل ائتلافی عمل کرد و نه پیشنهادهای مدل باسک در موضوع کردها را در نظر گرفت. در واقع بعد از ۱۹۹۳ افکار عمومی علیه مسئله کردها، تحت عنوان مبارزه با تروریسم، علیه پ.ک.ک. منحرف شد و در سال ۱۹۹۴ اندکی قبل از نشست شورای انجمن ترکیه و اتحادیه اروپا که انتظار می‌رفت توافق اتحادیه گمرکی به پایان برسد، انجمن ملی ترکیه معاونان امنیتی حزب کارگران مردم کرد را کنار گذاشت. دادگاه امنیتی دولت ترکیه آنان را به زندان طولانی مدت محکوم کرد. این امر دغدغه‌های بسیار را در اتحادیه اروپا برانگیخت. هم‌زمان با وتوی حکومت یونان، شورای انجمن توافق اتحادیه گمرکی را در دسامبر ۱۹۹۴ تصویب نکرد (اشلقی، ۱۳۸۵: ۴). این رویکرد ادعاهای افرادی را که اروپا را به حمایت از سازمان پ.ک.ک. متهم می‌کردند، تقویت کرد؛ اما خواسته جامعه اروپا تفاوت چندانی با اظهارات چیلدر در پروتکل ائتلاف نداشت. جامعه اروپا از ترکیه خواسته بود برای ایجاد راه‌حل سیاسی در قبال مسئله کردها تلاش‌های زیادی انجام دهد. علاوه بر این، اعلام شد

یکپارچگی دولت ترکیه باید مطابق با حقوق سیاسی و فرهنگی کردها باشد. هیچ کس جدایی ملت کورد را از ترکیه پیشنهاد نداد. توسعه اجتماعی و اقتصادی در مناطق کردنشین می‌توانست به ایجاد فضایی برای همزیستی صلح‌آمیز در درون دولتی واحد با گروه‌های مختلف قوی کمک کند. به رغم مشکلات آغازین با اتحادیه اروپا، ترکیه توانست اروپا را وادار کند توافق اتحادیه گمرکی را در مارس ۱۹۹۵ امضا کند. به دنبال این توافق، سیاست چیلر در قبال کردها تغییر کرد؛ چرا که علاوه بر اتحادیه اروپا، سازمان‌ها و کشورهای غربی سطح انتقاد خود از وضعیت حقوق بشر در ترکیه و رفتار این کشور با ملت کورد را افزایش دادند. برای مثال، در آغاز سال ۱۹۹۵ وزارت امور خارجه آمریکا گزارشی را منتشر کرد که وضعیت حقوق بشر را در سال ۱۹۹۴ در ترکیه بسیار نامناسب توصیف کرد. طبق این گزارش، نزاع ترکیه با پ.ک.ک به ارزش از دست رفتن زندگی ۱۴ هزار انسان تمام شد. در این گزارش همچنین قتل مرموز کردها در جنوب شرقی ترکیه و شکنجه دادن آنان بوسیله نیروهای امنیتی ترکیه به شدت محکوم شده بود. چیلر احساس کرد برای کاستن از سطح این انتقادات و تضمین تصویب توافق اتحادیه گمرکی بوسیله پارلمان اروپا باید در سیاست نظامی در قبال پ.ک.ک بازنگری کند؛ اما وی نگران از دست دادن طرفداران تندرواش و گسترش آزادیهای دموکراتیک و فرهنگی بود (لوسانی، ۱۳۸۴: ۵). از این رو به واقع با ابزارهای سیاسی خود چندان پیشرفتی در حل مسئله کردها نکرد؛ اما بدون تردید توانست جهان غرب را متقاعد سازد پ.ک.ک سازمانی تروریستی است و روابط ترکیه با غرب تا حد ممکن باید از مسائل مربوط به ترکیه و کردها جدا باشد. علی‌رغم این مسئله در هر عصری مسئله کردها مورد توجه سیاستمداران آن اتحادیه قرار گرفته است. در تازه‌ترین اظهارات مسئول توسعه اتحادیه اروپا خطاب به مقامات ترکیه اعلام کرد که اقدامات ضد تروریستی این کشور علیه حزب کارگران کردستان نباید موجب محدود شدن حقوق بشر شود (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱).

این مسئله اغلب نگرانی مقامات اتحادیه را تشدید کرده به گونه‌ای که همواره یکی از محورهای مذاکرات در فرایند عضویت ترکیه در آن اتحادیه به شمار رفته است. از این زاویه است که اتحادیه اروپا به ترکیه هشدار داد تا راه حلی مسالمت‌آمیز برای بحران کردهای این کشور پیدا کند. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری آلمان، اتحادیه اروپا از ترکیه به عنوان کاندیدای عضویت در این اتحادیه خواستار شد که توجه بیشتر به حقوق اساسی و دموکراتیک اقلیت ملی کرد در این کشور نماید. اتحادیه اروپا به طور همزمان از ترکیه درخواست کرد از انجام هرگونه اقدام نظامی علیه کردها ممانعت کند. الی رن، کمیسر وقت توسعه اتحادیه اروپا در ارتباط با اظهار نظرها و قضاوت‌های متعدد ترکیه در خصوص عضویت در اتحادیه گفته بود این نزاع باید از لحاظ سیاسی حل شود. کمیسر توسعه اتحادیه اروپا اظهار کرده است که



ترکیه بعد از پشت سر گذاشتن بحران انتخابات این کشور و انتخاب عبدالله گل به عنوان رییس جمهور محافظه کار و مذهبی این کشور باید خودش را برای اصلاحات بیشتر آماده کند؛ قبل از هر چیز آزادی عقاید و مذهب در این کشور باید تقویت شود.

#### ج-۴) ساختار فرهنگی - اجتماعی

درک تعارضات موجود میان ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ترکیه و اتحادیه اروپایی از آن رو اهمیت دارد که به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، مانع اساسی پیوستن این کشور به اتحادیه اروپایی ساختار اجتماعی و فرهنگی آن کشور است. یعنی به رغم آنکه مذاکرات رسمی در مورد پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی، حول محور ضعف اقتصادی و سیاسی این کشور جریان دارد؛ اما مسئله اصلی که در پشت درهای بسته مذاکرات - که به آن اذعان هم شده است - موانع فرهنگی، اجتماعی و مذهبی است. این موضوع همان چیزی است که "رجب طیب اردوغان نیز آن را بر زبان آورد و اذعان کرد: مانع اصلی عضویت ترکیه، مشکل فرهنگی است (لواسانی، ۱۳۸۳: ۸). خوزه مانوئل باروسو، رئیس پیشین کمیسیون اتحادیه اروپا اعلام کرده است: «ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا باید به دموکراسی سکولار برسد» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۳). این در حالی است که ترکیه کشوری است مسلمان با ۶۵ میلیون نفر جمعیت که مردمان آن تعلق خاطر بسیار به مذهب و دین اسلام دارند. مردم این کشور قبل از اینکه متعلق به فرهنگ ترک باشند متعلق به تمدن درخشان اسلامی هستند. اگر چه مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) ترکیه توانسته بود برخی اهداف خود را برای نزدیکی به فرهنگ غرب تحقق بخشد و این امر بوسیله جانشینان او پیگیری شود اما وجود اسلام در عمق جامعه ترکیه نوعی دوگانگی را بین سیستم سیاسی و متن جامعه ترکیه بوجود آورده است. به همین دلیل کوشش‌های ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد (عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، ۱۳۸۷: ۱).

واقعیت‌های موجود اجتماعی و فرهنگی ترکیه تأیید کننده تصویر ارائه شده از این کشور بوسیله نخبگان آن نیست. مدرنیزاسیون نتوانسته است مظاهر فرهنگ سنتی را در این کشور از بین ببرد و مذهب را به حاشیه براند. ارزشهای لیبرال تنها در میان درصد کمی از مردم مقبولیت پیدا کرده است و به طور کلی جامعه ترکیه، غربی نشده است (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۷۹). علاوه بر آن، اسلام نیز یکی از اجزای سازنده بافت فرهنگی و اجتماعی این کشور محسوب می‌شود. با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی، درصد مسلمانان این اتحادیه بسیار زیاد خواهد شد و یکپارچگی مذهبی مبتنی بر فرهنگ مذهب مسیحیت بر هم خواهد خورد (Balter, 2004, 65). لذا به نظر می‌رسد مانع اصلی عضویت ترکیه مسائل فرهنگی - مذهبی است. چرا که شرایط

اقتصادی ترکیه از کشورهایی که در سال‌های اخیر از شرق و مرکز اروپا به این اتحادیه پیوسته‌اند نه تنها بدتر نیست بلکه در بسیاری موارد بهتر از آنها است. در همین راستا، رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه تلاش‌های بسیار برای لغو مجازات اعدام، لغو شکنجه انجام داده است و مدعی است که حقوق بیشتری به کردها داده است. امروز، حمایت از پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا کم شده و به کمتر از ۵۰ درصد تنزل یافته است. اتریش با یادآوری یورش عثمانی‌ها به اروپای غربی که طی آن این کشور آماج حمله ترک‌ها قرار گرفت، با پیوستن ترکیه چندان موافق نیست. از سوی دیگر، عده‌ای از تحلیلگران به علت آنکه ۹۹/۸ درصد جمعیت ترکیه را مسلمانان تشکیل می‌دهند، با پیوستن آن به اتحادیه اروپا موافق نیستند. آنان می‌گویند که این اتحادیه «باشگاه مسیحی» است و حتی خود ترک‌ها و سایر مسلمانان آن را بیشتر اتحادیه مسیحی می‌دانند. همچنین نگرانی‌های گسترده درباره مهاجرت ترک‌ها به اتحادیه اروپا وجود دارد (صادقی، ۱۳۸۷: ۲).

### ج-۵) عدم ثبات اقتصادی

با وجود مشکلات فراوان سیاسی که گاه به گاه نیز به آن اضافه می‌شود، برخی معتقدند که دلیل اصلی عدم موافقت اروپا با حضور ترکیه در اتحادیه اروپا، مسائل اقتصادی است. هر چند ترکیه در سال‌های اخیر توانسته است تورم را طی یک برنامه چندین ساله پایین بیاورد و اوضاع اقتصادی را تا حدودی بهبود بخشد؛ اما اقتصاد این کشور هنوز به درجه ثبات نرسیده است و همچنان می‌تواند به سادگی از هم فروپاشد (مروت، ۱۳۸۷: ۴). به رغم اینکه ترکیه بیشترین نرخ توسعه اقتصادی را در میان کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ داشته است؛ اما ساختارهای اقتصادی این کشور در مقایسه با کشورهای عضو اتحادیه اروپایی، دچار ضعف‌های آشکار است. گرچه صنایع تولیدی این کشور طی دهه گذشته با رشدی چشمگیر مواجه بوده‌اند، اما همچنان بیش از ۴۰ درصد نیروی کار این کشور در بخش کشاورزی شاغل هستند. این در حالی است که صنایع نساجی ترکیه در بازارهای جهانی به اندازه‌ای قدرتمند شده است که کشورهای اتحادیه اروپایی و آمریکا را به اجرای قانون «ضدانحصار» تحریک کرده است؛ اما اغلب صنایع دیگر این کشور به لحاظ قابلیت تولید، کار و میزان سرمایه‌گذاری توانایی حضور در بازارهای جهانی را ندارند. براساس آخرین برآوردهای کمیسیون اقتصادی اروپا، پیوستن ترکیه به این اتحادیه ۲۸ میلیارد یورو برای اتحادیه اروپا هزینه در پی خواهد داشت (Edmer, 2003, 79). حقیقت اتحادیه اروپایی، توسعه واقعی ترکیه را در هماهنگی شاخص‌های رفاه عمومی ترکیه با استانداردهای اروپایی برای مقابله با پدیده‌هایی نظیر مهاجرت بی‌رویه از ترکیه به کشورهای

اروپایی، پس از عضویت می بیند. برقراری این هماهنگی، چالش بزرگ مقامات ترکیه خواهد بود.

### ج-۶) ترکیب ناهمگون جمعیت‌شناختی

نفوس نسبتاً زیاد ترکیه در مقایسه با سایر کشورهای عضو همواره یکی از علایم هشداردهنده بوده که اتحادیه اروپا را نگران ساخته است. ترکیه با ۶۵ میلیون نفر جمعیت در صورت عضویت در اتحادیه اروپایی به یکی از تأثیرگذارترین اعضای این اتحادیه تبدیل خواهد شد و تعداد نمایندگان آن در کمیسیون‌های مختلف و پارلمان اروپا حتی اندکی بیشتر از فرانسه، انگلستان، ایتالیا و لهستان خواهد بود. پرجمعیت‌ترین کشور اروپایی در حال حاضر، آلمان با ۸۳ میلیون جمعیت است ولی با توجه به پایین آمدن میزان زاد و ولد در اروپا در دهه‌های آتی، جمعیت ترکیه بر همه کشورهای اروپایی پیشی خواهد گرفت. میزان رشد جمعیت ترکیه به طور متوسط بالاتر از ۱/۹ درصد است. به همین دلیل مخالفان ورود ترکیه به اتحادیه اروپایی نگران کسب موقعیت برتر ترکیه مسلمان در میان مسیحیان اروپا هستند (Bordonaro, 2004, 8). این در حالی است که رشد جمعیت بعضی کشورهای اروپایی رو به منفی شدن است. همینطور اروپایی‌ها نگرانند، میزان رأی ترکیه در نهادهای اروپایی که رأی‌گیری در آن مبتنی بر میزان جمعیت می‌باشد، نظیر شورای اروپا (European Council) و پارلمان اروپا (European Parliament) افزایش خواهد یافت (Waugh, 2004, 14).

### ج-۷) پدیده مهاجرت

تحلیلگران معتقدند که بلافاصله پس از پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی حداقل ۲/۷ میلیون ترک جویای کار به سوی اروپا جاری خواهند شد. براساس برآوردهای کمیسیون اقتصادی اروپا پیوستن ترکیه به این اتحادیه ۲۸ میلیارد یورو برای اتحادیه اروپایی هزینه در پی خواهد داشت (Waugh, 2004, 16). به علاوه اروپایی‌ها از این نگرانند که با عضویت ترکیه و مهاجرت نیروی کار از این کشور به کشورهای دیگر اروپایی، نسبت بیکاری و تعداد بیکاران که یکی از مشکلات اتحادیه اروپایی است، حادث‌تر شود. لائیک‌تر شدن بعضی جریان‌های سیاسی در ترکیه، اعمال بعضی محدودیت‌ها - از قبیل منع حجاب - بهتر بودن شرایط رفاهی در اروپا نیز به افزایش مهاجرت از ترکیه کمک کرده است. به رغم آن افزایش مهاجرت‌های داخلی به خاطر فرار از کمبود امکانات در مناطق شرقی و اثرات ویرانگر درگیری‌ها بین ارتش و حزب کارگران کردستان میلیون‌ها نفر را به آنکارا، استامبول، ازمیر و دیگر شهرها کشاند

(رفعت نژاد، 71,1381). فقدان مهارت کاری و نیز پایین بودن سطح درآمد و بیکاری فزاینده این مهاجران داخلی همچون یکی از دغدغه‌ها و چالش‌های اتحادیه اروپا در آینده به شمار می‌رود.

### ج-۸) ژئوپلتیک

یکی از دلایل دیگر برای مخالفت‌ها و طولانی شدن روند مذاکرات پیوستن ترکیه این است که تنها ۳ درصد از خاک این کشور در محدوده جغرافیایی اروپا واقع است و این موضوع، بحث‌های بسیار را در باره اینکه مرزهای واقعی اتحادیه اروپا باید تا کجا امتداد یابد برانگیخته است (صادقی، ۱۳۸۷: ۲). نخستین موضوع در این ارتباط هم مرز شدن اتحادیه اروپا با خاورمیانه است. با الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، این اتحادیه با کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران و اسرائیل هم مرز شده و مسائل مرزی عدیده‌ای در روابط اتحادیه با تمام کشورهای خاورمیانه ایجاد خواهد شد که تاکنون در این اتحادیه مطرح نبوده است. این در حالی است که در حال حاضر اتحادیه اروپا بسیاری از بحران‌ها و مسائل موجود در خاورمیانه را به واسطه ترکیه از خود دور نگاه داشته است. در این خصوص، بحران دیرینه فلسطین به عنوان مهم‌ترین مشکل در خاورمیانه در پیش روی اتحادیه قرار دارد. هر چند که بحران‌های خاورمیانه تاثیر مستقیم بر اتحادیه می‌گذارد، ولی این اتحادیه قادر نیست نقشی مانند آمریکا در این منطقه داشته باشد و این به علت نداشتن پتانسیل و ظرفیت موثر در اتحادیه برای حل بحران‌های این منطقه است (مروت، ۱۳۸۷: ۱).

در کنار مورد مزبور برخی از اعضای اتحادیه اروپایی معتقدند که مرزهای مشترک ترکیه با ایران، عراق، سوریه، ارمنستان و گرجستان، اتحادیه اروپا را با مشکلات جدید مواجه خواهد کرد. آنها معتقدند که توسعه مرزهای اروپا به بی‌ثباتی، منازعه و تروریسم منجر خواهد شد و لذا معتقدند که اتحادیه اروپایی نباید با مناطق تنش‌زا همسایه شود (Waugh, 2004, 25). با تمام این اوصاف، روند عضویت اتحادیه اروپا هرچند هم که طولانی باشد، اگر با هدف عضویت کامل این کشور باشد، می‌توان تاثیر مثبتی بر ثبات خاورمیانه داشته باشد.

### ج-۹) موضوع قبرس؛ رابطه با یونان و تبعات ژئوپلتیک

تقسیم قبرس به دو بخش ترک و یونانی نشین و باقی ماندن این وضعیت، اتحادیه اروپا و ترکیه را در وضعیتی مبهم و بغرنج قرار داده است و امکان موفقیت توسعه اروپا را که ترکیه نیز شامل آن باشد تحت‌الشعاع خود قرار داده است. ترکیه از سوی اتحادیه اروپا در خصوص عادی‌سازی روابط خود با دولت قبرس و اعاده صلح و ثبات در قبرس تحت فشار قرار دارد. اتحادیه اروپا، ترکیه را تشویق به شناسایی دولت یونانی قبرس و خارج کردن نیروهای نظامی

این کشور از قبرس و بازگشایی فرودگاه‌ها و بنادر ترکیه بر روی دولت قبرس می‌کند. با توجه به اینکه ترکیه در جولای ۲۰۰۵ پروتکل توسعه اتحادیه گمرکی را با اتحادیه اروپا (۱۰ عضو جدید) به امضا رسانده است، این اقدام به منزله شناسایی دولت قبرس نبوده و در همین راستا تاکنون فرودگاه‌ها و بنادر خود را به روی این کشور نگشوده است (مروت، ۱۳۸۷: ۹). تعیین حدود مرز آبی در دریای اژه، حدود هوایی در مرزهای دریایی، مسئله حضور ترکیه در شمال جزیر قبرس تحت عنوان دفاع از ترک‌های این جزیره و سرانجام موضوع اقلیت‌های ترک شمال شرق یونان و ارتدوکس‌های یونانی در استانبول از مسائل اختلاف برانگیز فی‌مابین ترکیه و یونان بوده است. موضوع قبرس، به خصوص بعد از اینکه بخش یونانی‌نشین قبرس به عضویت اتحادیه اروپایی درآمد، پیچیدگی بیشتر پیدا کرد. ترکیه به راحتی حاضر نیست از قبرس شمالی ترک‌نشین دست بردارد و لذا این موضوع مورد بحث اروپا و ترکیه قرار دارد. مسائلی که در بند ۴ و ۹(a) معیار کپنهاک ذکر شده‌اند، موضوعاتی را عنوان می‌کند که ترکیه سال‌ها در روابطش به ویژه با یونان با آن مواجه بود. شرط جدید در بند ۴ از ترکیه می‌خواست تمامی مسائل دوجانبه‌اش را با یونان تا سال ۲۰۰۴ دست‌کم پیش از آغاز مذاکرات حل کند. بند ۹(a) نیز مقرر می‌گردد کار پیوستن یونانی‌های قبرس‌نشین با اتحادیه اروپا تمام شود، بدون اینکه رضایت ترکیه ضروری باشد. بی‌تردید، نشست سران اروپا در هلسینکی نقطه چرخش حیاتی در روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا بود. فقط پس از آن بود که روابط ترکیه با جهان غرب به ویژه با اروپا فرصتی به دست آورد تا تغییر ضروری در خود به وجود آورد. این روابط از آن پس وارد دوره همکاری بهتر شد. به دنبال این نشست، همچنان که اتحادیه اروپا برای ترکیه سندی شامل همکاری الحاق در مارس ۲۰۰۱ آماده کرد، ترکیه نیز یک سال بعد برنامه ملی خود را هماهنگ با پیشنهادهای اتحادیه اروپا اعلام کرد (اشلقی، ۱۳۸۵: ۷). پس از آن ترکیه گام‌های بسیار برای تحقق اصلاحات مطابق برنامه اعلام شده انجام داد. در نتیجه، ترکیه توانست بعضی پیشنهادهای اصلاحیه‌ای در قوانین را اتخاذ کند؛ از جمله، بازسازی نظام دموکراتیک و مطالبات حقوق بشر؛ در حوزه اقتصادی نیز هدف ترکیه رسیدن به معیارهای اتحادیه اروپا بود (باغچی، ۱۳۸۳: ۱۲). موضوع دیگر که موجب تاخیر در توافق اتحادیه گمرکی ترکیه در دسامبر ۱۹۹۴ شد، مطالبات یونان در قبرس و موضوعات دوجانبه با ترکیه از آنکارا و بروکسل بود. در دهه ۱۹۸۰ وقتی اوزال به قدرت رسید، نخست ترجیح داد به رغم ابتکاراتش در داووس، در مسئله قبرس نقشی فعال ایفا نکند. پس از درخواست عضویت کامل، ترکیه به تدریج وارد موضوع قبرس و یونان شد. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در سال ۱۹۹۱ صورت گرفت بوسیله اوزال بود که می‌خواست موقعیت ترکیه را بدون هیچ درگیری مستقیم در مذاکرات بین محلی که بوسیله رهبران یونان و جمعیت ترک‌نشین در قبرس برگزار می‌شد،

تغییر دهد. اوزال در ماه می همان سال برگزاری مذاکرت چهارگانه میان ترکیه، یونان و اجتماعات قبرسی را پیشنهاد داد. او معتقد بود اگر تمام احزاب برای حل مسائل خود در نشست سران مثل انتخاب پاپ گردهم آیند، به توافقی مشخص خواهند رسید. به گفته اوزال، پس از یک فصل ماراتن، آنچه را احزاب حل کنند، حل کرده‌اند و آنچه را هم که تاکنون حل نکرده‌اند حل نخواهند کرد. در واقع اوزال می‌خواست مسئله را تا حد ممکن فوری حل کند، ولی از این واقعیت نیز آگاه بود مادامی که این مشکل حل نشود، روابط ترکیه با اتحادیه اروپا به سطح دلخواه نخواهد رسید. پیشنهاد اوزال، رویکرد صلح‌جویانه و همکاری وی موجب تشویق پتروس غالی، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، شد تا مذاکرات بین محلی که از ۱۹۹۰ به طور کامل متوقف شده بود، از سر گرفته شود. اما تلاش‌های بی‌شمار پتروس غالی نیز در این دور از مذاکرات بی‌ثمر ماند. در این زمان، قبرس جنوبی از جامعه اروپا درخواست عضویت کامل کرد. این امر موقعیت ترکیه را در برابر جزیره یونان و جامعه اروپا با مشکل مواجه ساخت. در ژوئن ۱۹۹۳، کمیسیون به سرعت نظر شورا را منتشر کرد تا هرچه سریع‌تر مذاکرات آغاز شود. در نتیجه، کمیسیون بر حمایت جامعه اروپا از تلاش‌های پتروس غالی برای رسیدن به توافق سیاسی در مورد مسئله قبرس تاکید کرد. وقتی هیچ راهی برای حل مسئله به موفقیت نرسید، توصیه شد کمیسیون موقعیت قبرس پس از ژانویه ۱۹۹۵ را مورد بازنگری قرار دهد. در این حال، حکومت ترکیه تصریح کرد اگر اتحادیه اروپا پیش از پیوستن ترکیه به این اتحادیه تصمیم به پذیرش عضویت کامل قبرس بگیرد، آنکارا مطابق توافق لندن - زوریخ (۱۹۶۰) از حق وتو استفاده خواهد کرد. از سوی دیگر، یونان نیز یونانی‌های قبرس‌نشین را به عضویت کامل تشویق کرد و از دیگر اعضا خواست مذاکرات را بدون ائتلاف وقت آغاز کنند، اما روابط ترکیه با یونان بیشتر بر دو موضوع متمرکز شده بود: موضوع نخست به دریای اژه مربوط می‌شد؛ وقتی یونان در تابستان ۱۹۹۴ اعلام کرد که آب منطقه‌ای خود را از ۶ مایل به ۱۲ مایل در دریای اژه افزایش خواهد داد، آنکارا تصریح کرد این کار پایه‌های جنگ را نهادینه خواهد کرد. موضوع دوم به اتحادیه گمرکی ترکیه با اتحادیه اروپا مربوط می‌شد. در دهه ۱۹۹۰ یونان مجبور بود با معضلی جدی مواجه شود. در واقع یونان نمی‌خواست جامعه اروپا روابطش را با ترکیه بهبود بخشد؛ ولی با نفوذ روزافزون ترکیه در بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی، هراسش از ترکیه بیشتر شد. بدیهی بود ترکیه در میان اردوگاه غرب از جمله جامعه اروپا برای یونان بهتر از دیگران بود، اما یونان همواره به استفاده از قدرت وتوی خود علیه ترکیه تهدید می‌کرد. یونان همچنین مسئله قبرس را به روابط ترکیه با اروپای غربی پیوند می‌داد؛ اما ترکیه منکر چنین ارتباطی بود. چون جامعه اروپا وضعیت قبرس را روشن نکرد، دولت یونان سعی کرد علیه امضای گمرکی ترکیه با اتحادیه اروپا وتو کند. به

جهت همین اقدامات بسته یونان، اعضای اتحادیه اروپا مجبور شدن یونان را تحت فشار قرار دهند. تنها اندکی بعد، آتن طی بیانیه‌ای اعلام کرد: اگر اتحادیه اروپا خواسته‌های زیر را برآورده سازد، می‌تواند از حق وتو صرف‌نظر کند: ۱. تعهد به آغاز مذاکرات الحاق قبرس؛ ۲. حذف طرح کمک مالی به ترکیه؛ ۳. کمک مالی اتحادیه اروپا برای بازسازی صنعت نساجی یونان. اگرچه این خواسته‌ها به ویژه خشم آلمان را برانگیخت؛ اما در نهایت اتحادیه اروپا راه امضای قرارداد اتحادیه گمرکی با ترکیه را مسدود کرد (Bordonaro, 2004: 12). در این بین، نه تنها نخست‌وزیر وقت ترکیه (چیلر) بلکه اروپاییان زیادی نیز گمان بردند رد اتحادیه گمرکی مانع پیشرفت ترکیه در استقرار کامل دموکراسی خواهد بود؛ یعنی به نفع بنیادگرایان خواهد بود تا دموکرات‌ها را به حاشیه برانند و مانع رشد و ثبات اقتصادی شوند (اشلوقی، ۱۳۸۵: ۱۳). به خاطر همین دلایل سیاسی، همه اعضای اتحادیه اروپا به جز یونان با امضای توافق اتحادیه گمرکی موافقت کردند.

### ج- ۱۰) قتل عام ارامنه

یکی از موضوعات بسیار جدی و چالش برانگیز که از بدو تشکیل کشور ترکیه همواره با آن روبرو بوده است قضیه قتل عام ارامنه در دوران امپراطوری عثمانی می‌باشد. ارمنی‌ها خواستار اعتراف سرداران ترکیه به کشتار دسته جمعی ارامنه، به عبارت دقیق‌تر شناسایی و پذیرش ژنوساید ارامنه و نیز عذر خواهی رسمی مقامات ترک هستند. این خواست بنا به موقعیت‌های سیاسی مدام بوسیله اتحادیه اروپا تقویت شده است. در این راستا رن پیشنهاد کرد که مذاکرات پیرامون عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا زمانی آغاز شود که ترکیه «ماده ۳۰۱» قوانین جزایی خود را لغو کند. این ماده تحریم‌هایی را در صورت هر گونه توهین به ترک‌ها پیش‌بینی می‌کند. به گزارش این خبرگزاری چندین نویسنده و روزنامه‌نگار در ترکیه تحت تعقیب قرار گرفته‌اند چرا که آنها متهم هستند قتل دسته جمعی ارامنه بوسیله ترکیه را در سال ۱۹۱۵ آشکار کرده‌اند. تأثیرات این انتقادات اتحادیه اروپا به ترکیه بسیار گسترده بوده است. محمد علی ساهین، وزیر دادگستری وقت ترکیه در گفت‌وگویی که با تلویزیون ترکیه اظهار داشت که او می‌خواهد پیشنهادهایی را برای تغییرات سریع‌تر در ماده ۳۰۱ قانون جزای ترکیه ارائه دهد و لایحه‌ای را تقدیم پارلمان آن کشور کند. ماده ۳۰۱ آنچه را که توهین به هویت ترکی یا نهادهای این کشور می‌داند منع می‌کند. ملی‌گرایان ترک اغلب برای کوبیدن کسانی که استدلال می‌کنند امپراتوری عثمانی دست به نسل‌کشی ارامنه زده است به این ماده قانونی استناد می‌کنند (صادق، ۱۳۸۵: ۷). اورهان پاموک، نویسنده برنده جایزه نوبل ادبیات، و

هرانت دینک، نویسنده ترک ارمنی تبار به خاطر اظهاراتشان در باره کشتار ارمنه با استناد به همین قانون در ترکیه تحت محاکمه قرار گرفته اند.

دولت ترکیه بدون تردید در ارتباط با مسئله «قتل عام» ارمنه و نیز پیوستن به اتحادیه اروپا تحت فشار قرار دارد. ترکیه همچنان بر این نکته پافشاری می کند که هیچ سیاست دولتی برای کشتار ارمنه وجود نداشته است. چندی پیش نیز ترکیه آماری را انتشار داد که طبق آن حدود نیم میلیون ترک بوسیله ارمنه کشته شده اند (رحمانی، ۱۳۸۶: ۱). یکی از نگرانی‌های ترکیه این است که چنانچه ماجراهای سال ۱۹۱۵ نسل کشی شناخته شود در آن صورت در به روی مطرح شدن تقاضاهای غرامت یا حتی ادعاهای ارضی باز خواهد شد. این در حالی است که در ماه‌های اخیر مقامات آنکارا روند فزاینده مثبت را در برقراری مناسبات دیپلماتیک، از جمله بازکردن سفارت خانه در کشورهای همدیگر، با مقامات ارمنستان آغاز کرده است و به رغم مخالفت بخشی از ارمنی‌ها، نخست وزیر ترکیه با رئیس جمهور ارمنستان تا کنون چندین دیدار رسمی و غیر رسمی داشته اند.

## نتیجه

پس از گذشت چهار دهه انتظار، مذاکرات اتحادیه اروپا با ترکیه برای بررسی عضویت این کشور در این اتحادیه در سوم اکتبر ۲۰۰۵ آغاز و بر اساس روند کلی مذاکرات که با توافق ترکیه نیز همراه بود. مقرر گردید این مذاکرات بر اساس روند جاری انجام و اتحادیه اروپا تعهدی را برای حتمی بودن الحاق ترکیه نپذیرد، هر چند که مذاکرات اتحادیه اروپا همواره با پذیرش کشور مذاکره کننده همراه بوده است لیکن مورد ترکیه تاکنون نیز به دارازا کشیده شده است. با این حال موانع و معضلاتی بر سر راه پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا قرار دارند. مطابق یافته های این تحقیق، موانعی نظیر: نقض حقوق بشر، عدم اذعان به کشتار ارمنی‌ها، آزادی و دموکراسی، رشد اقتصادی، مسائل فرهنگی و اجتماعی، ترکیب جمعیتی و موقعیت جغرافیایی، مسئله اقلیتهای ملی به ویژه مسئله کردها، تسلط نظامیان بر حاکمیت سیاسی ترکیه و غیره. با این وصف به رغم انجام اصلاحات نسبی قضایی و اقتصادی، رعایت حقوق فرهنگی، کاهش نقش نظامیان و گسترش دموکراسی و موارد مورد بررسی این مقاله، هنوز در مسئله عضویت کامل ترکیه در اتحادیه اروپایی نقش ایفا می کنند و لذا به نظر نمی رسد در چشم انداز آینده ی نزدیک، بتواند به معیارها، ضوابط و استانداردهای اتحادیه اروپایی دست یابد. این مهم از آن رو قابل توجه است که هنوز کشورهایی نظیر فرانسه و آلمان با پیوستن دائم ترکیه به EU مخالف بوده و راه حل های جایگزین را مطرح ساخته اند که این خود مانعی جدی در گذار از این مسیر صعب العبور به شمار می رود.



## منابع و مآخذ:

## الف. فارسی:

۱. اردوغان، رجب طیب (۱۳۸۳)، "ترکیه و خاورمیانه بزرگ"، ترجمه محمد رضا نعیمی، همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۸، صص ۱۵۵-۱۸۶.
۲. اشلقی، مجید عباس و حسن نقدی نژاد (۱۳۸۵). "چشم انداز عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی"، برگرفته از سایت اینترنتی: (<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=06&depid=44&semid460>).
۳. باغچی، حسین (۱۳۸۳)، عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا: مناظره‌های پس از جنگ سرد، "مطالعات خاورمیانه"، بهار، شماره ۳۷.
۴. رحمانی، اقدر (۱۳۸۶)، "جدال ۹۰ ساله"، برگرفته از سایت اینترنتی: ([http://www.aftab.ir/articles/politics/world/c1c1170602132\\_turkia\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/politics/world/c1c1170602132_turkia_p1.php)).
۵. رفعت نژاد، غلامرضا (۱۳۸۱)، "دموکراسی نظامی در ترکیه"، ترجمه گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، به نقل از منبع: "current History, February, 1999".
۶. سلطانی، علیرضا (۱۳۸۴)، "اصلاحات اقتصادی در ترکیه"، همشهری دیپلماتیک، شماره هفتاد، مهر.
۷. صادقی (۱۳۸۵)، "ترکیه در بزرخ اتحادیه اروپا" (۱۳۸۵)، روزنامه ایران، برگرفته از سایت اینترنتی، کد بازیابی: ([www.did.ir/PP00020061110373114](http://www.did.ir/PP00020061110373114)).
۸. "عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا" (متن برنامه تلویزیونی دیدگاه از شبکه اصفهان) (۱۳۸۷)، برگرفته از سایت اینترنتی: ([www.forum.diplomacy.ir/index.php?topic=9.0](http://www.forum.diplomacy.ir/index.php?topic=9.0)).
۹. قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۳)، ترکیه و اتحادیه اروپا؛ معضلی دوجانبه، کتاب اروپا (۳)، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعاتی ابرار معاصر، چاپ اول.
۱۰. لوامسانی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۴)، "عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا"، همشهری دیپلماتیک، شماره هفتاد.
۱۱. مروت، علی (۱۳۸۷)، "نزاع ترکیه با اتحادیه اروپا برای ورود به قاره سبز بر سر چیست؟"، برگرفته از سایت اینترنتی: (<http://irdiplomacy.ir/index.php?Lang=fa&Page=24&TypeId=4&ArticleId=111&Action=ArticleBodyView>)

## ب. خارجی:

1. Balter, Michael (2004), "Search for the Indo-Europeans: Were Kurgan horsemen or Anatolian farmers responsible for creating and spreading the world's most far-flung language family?", *Science*, No 303.
2. Bordonaro, Federico (2004), "Turkey's Accession Divides the EU", Available in: (<http://www.Pinr.com>).
3. Edmer, Mine (2003), *Becoming Western: Turkey and the EU*, New York: Routledge, pp 79-80.
4. Waugh, Daniel, C. (2004). "Constantinople/Istanbul". University of Washington, Seattle, WA. In: (<http://depts.washington.edu/silkroad/cities/turkey/istanbul/istanbul.html>). 12-26.